

دربارهٔ مدخلهٔ مسلحانهٔ رژیم ایران در عمان و ظفار

مهرستان گرامی

محمدرضاشاه برای سلطان یونسید نعمان سرزاف و فرزندانش که در عمان و ظفار و سایر مناطق جنوبی ایران و خلیج فارس و اقیانوس هند برافروخته و برافراشته شده است خاموش گردانند. سازمان داری اتحاد امارات عربی و تسلیح و تقویت عرستان سعودی و ایران گویند ای از نقشهٔ نو استعماری امپریالیست هاست که در مداند جنبش‌های ملی و نجات بخش خاورمیانه و منطقهٔ خلیج را بدست ارتجاع محلی نابود گردانند و اعزام ارتش ایران به عمان نمودار تقنی است که امپریالیست های امریکائی و انگلیسی برقیدهٔ محمدرضاشاه بعنوان زانندهٔ درم خلیج گذاشته اند. این حادثه نشان دهندهٔ مرحلهٔ جدید در اتحاد و عهدشکنی حکومت های ارتجاعی این منطقه در زیر پرچم امپریالیسم است.

همه میدانند که رژیم زرخیز نعمان یکی از عقب مانده ترین و فروتوت ترین رژیم های جهان است که مستقیماً بدست افسران انگلیسی اداره میشود. و همه میدانند که امروز "جبههٔ رهایی بخش خلیج عربی اشغال شده" و مناطق آزاد شدهٔ ظفار الهام بخش همهٔ خلق های خاورمیانه است. نقشهٔ سرکوب جنبش ظفار قسمتی از سرکوب جنبش در تمام منطقهٔ خلیج و سراسر خاورمیانه بشمار می آید. نبرد قهرمانانهٔ خلق ظفار با پیکار ملی و ضد امپریالیستی همهٔ خلق های خاورمیانه پیوند مستقیم دارد. پیروزی خلق ظفار پیروزی همهٔ خلق های خاورمیانه است. اعزام ارتش محمدرضاشاهی به ظفار ثابت میکند که ما همه بر علیه دشمن واحد و در مبارزه ایم. خلق ایران اقدام محمدرضاشاه را در اعزام ارتش به ظفار با خشم و نفرت بی پایان محکوم میکند و با تمام قوا پشتیبانی خلق های برادر عربی است. هیچ ایرانی شرافتمندی بر روی خلق های برادر عربی، بر روی خلق دلبز ظفار دست بلند نخواهد کرد. جنگ بر ضد خلق ظفار جنگ بر ضد خلق ایران است. پشتیبانی برشور و فعال از نهضت ظفار و کمک همه جانبه به وی وظیفهٔ کلیهٔ سازمان های ضد استعماری و کلیهٔ هموطنان ماست.

سربازان، درجه داران و افسران

محمدرضاشاه میخواهد شمارا برای اتش زدن روستاها و سوزاندن خانمان و زن و فرزند خلق رنج دیده های بفرستد که بخاطر رهایی از اسارت امپریالیستی و فرقهٔ قرون وسطائی بپاخاسته است. نگذارید دامن شما و ملت ایران بچنین تبهکاری آلوده گردد. دست بزدانوی شیوع خلق عمان و ظفار دراز کنید و به ارتش رهایی بخش ظفار پیوندید. فرصت را از دست ندهید. بگذارید آماج گلوله های شما سلطان قاپوسها و محمدرضاشاه ها و سایر طیفی ها و غارتگران و امپریالیست های استعمارگرایستند. تجدیدی نیست که اقدام تجارکارانهٔ رژیم محمدرضاشاهی که با اشارهٔ امپریالیست ها انجام گرفته است خلق عمان و ظفار را در دفاع از آرمان های ملی و ضد استعماری خویش راسخ تر خواهد ساخت وحدت و همبستگی خلق های عرب و ایران را بیش از پیش تحکیم خواهد کرد.

مترکون باد رژیم دست نشاندهٔ محمدرضاشاهی.
دست ارتجاع و امپریالیسم از عمان و ظفار کوتاه.

درد پرشوریهٔ "جبههٔ رهایی بخش خلیج عربی اشغال شده"، سازماندهٔ مبارزهٔ قهرمانانهٔ خلق ظفار.
استوار باد دوستی و همبستگی خلق های عرب و ایران بر علیه ارتجاع و امپریالیسم.

دست بزدان
سازمان مارکسیستی توقان

اردیبهشت ۱۳۵۱ = آوریل ۱۹۷۲

استعماری دست برده بود. هدف این "اصلاحات" فریب خلق ایران، نقای افکنی در میان نیروهای انقلابی ایران بود. ولی خلق ایران با جنبش خردباد ۱۳۴۲ نشان داد که از عمان آغاز فریب این دسیسهٔ امپریالیستی را نخورد و است و سرکوبی رژیم نیمه مستعمر و نیمه فئودالی محمدرضاشاه کماکان شعار اصلی همهٔ نیروهای میهن پرست و انقلابی است. بقیه در صفحه ۲

دست جلاد کوتاه!

پس از گذشت سه سال فاش میشود که یکی از پژوهندگان آمارها و اوضاع اجتماعی ایران، خان حاجی، از سازمان امنیت از خیابان های تهران برود و بدون هیچگونه اطلاعی به خویشان وی در زندان نگهداشته و حالا پس از ابرار انواع فشار و شکنجه برای او در تدارک صحنه سازی دادگاه است. سرگذشت خان حاجی سرگذشت بسیاری از مردم شرافتمند میهن ماست. ولی آنچه در این مورد ویژگی دارد اینست که خان حاجی بنا بر وظیفهٔ شغلی خود به پژوهش در روستای ایرا و نتایج "اصلاحات ارضی" میرداخته و همین امر علت گرفتاری او شده است. رژیم کودتا روستای ایران را از طریق سازماندهی سپاهیان کولون، و خانه های انصاف و غیره و غیره در زیر نظارت گرفته است و میگوید تا آنجا که بصورت محیط بستنای در آورد زیرا که علی رقم تبلیغات دروغین خود از قیام روستا قیامان سخت میبرد. رژیم کودتا به ایرانیان خارج از کشور که پیوسته باقیاب سیاست صدمی او مشغول اند جار میزند که بیایید و بنقاط مختلف ایران، به کارخانه و مزرعه، سرزیند تا واقعیت دل افروز "انقلابات دوازده گانه" بر شما روشن شود. ولی آنکه که یک تن پژوهشگر ایرانی، با اقتضای شغل خویش، سری به ده میزند فوراً با شکنجگران سازمان امنیت سروکار پیدا میکند. حادثهٔ دستگیری خان حاجی، دلیل روشنی بر کذب تبلیغات رژیم کودتا دربارهٔ واقعیت روستای ایران است. دست چنانکار سازمان امنیت از خان حاجی کوتاه! درون پرشور به زندانیان سیاسی!

بیان خردباد خونین

ده سال پیش در روز یازدهم خردباد نبرد میهن پرستان ایران با نیروهای مسلح محمدرضاشاه به آج خود رسید. ده ها هزار نفر از مردم تهران و شهرستانهای دیگر، شجاعانه به مبارزهٔ قهرمانانهٔ دشمنان خلق پرداختند. گلوله های دشمن محمدرضاشاه خون هزاران نفر از این جانبازان را نقش بر زمین ساخت.

رژیم محمدرضاشاه پس از کودتای ۲۸ مرداد هنوز بسا چنین تظاهرات وسیعی مواجه نشده بود، تظاهراتی که بخش وسیعی از توده ها را در بر میگرفت. خشمناک، قهرآمیز و صراحتاً برای سرنگونی رژیم خائن محمدرضاشاه بود، به انتظار از این یای آن اقدام رژیم انگفا نمیکرد. همهٔ پیکرهٔ وی را مورد هدف قرار داده بود. شعارهای اساسی این تظاهرات "مرگ بسر محمدرضاشاه" و "مرده باد استبداد" بود. مردم هر کجا که میرسیدند تظاهرات و تظاهرات و تظاهرات را برپا میساختند و مسائل نظیبه دولتی و ارتشی را میسوزانند. هیچ کس بیم از آن نداشت که در صف اول تظاهرات قرار گیرد و اولین هدف گلوله های قوای نظامی خونخوار محمدرضاشاه باشد. محمدرضاشاه و قوای نظامی ساخته و پرداختهٔ امپریالیستی اش از هیچ گونه دمنشی و قساوتی فرورگزار نکردند. مردم را به ریکار گلوله مستند. حتی در بسیاری از خیابانهای کاصلا صحنهٔ تظاهرات بود، برخی از رنگران را هدف گلوله قرار میدادند. و ده داده شده بود که هر کس بیشتر آد میسند مورد تفتات بیشتر "ملوکانه" فرار خواهد کرد و بداتش بیشتر دریافت خواهد داشت ولی جنبش توده های مردم آنچنان وسیع بود که این نیروهای تا بدندان مسلح رژیم بیش از یک هفته برای سرکوب آن وقت صرف کردند.

در آن زمان محمدرضاشاه با الهام از امپریالیسم امریکا برای ادامه دادن به سلطهٔ خونین خویش و برای استادگی در برابر امواج نیرومند انقلاب به یک سلسله "اصلاحات" نو -

کنفدراسیون و توطئهٔ تازه رژیم

رژیم ایران پس از آنکه از فشار و تضییقات کولون خود علیه دانشجویان خارج بنظر جلوگیری از شترکت آنان در کنفدراسیون و سازمانهای دانشجویی طفری نیست کنفدراسیون را غیر قانونی اعلام کرد و اعضا آنرا قابل تعقیب شمرد. شاه و سازمان امنیت چنین بی بنداشند که با این اقدام ضرای کاری بریکر سازمان دانشجویان ایرانی وارد آورد مانند. اما جوانان و دانشجویان با شرکت وسیع خود در کنفدراسیون و از آنجمله در نخستین کنگره ای که بلافاصله پس از اعلام غیرقانونی کردن کنفدراسیون تشکیل شد، نشان دادند که کنفدراسیون را از آن خود میدانند و آنچه در قوه دارند بفعل در میاورند تا آن را از دستبرد نیروهای اهریمنی صون و محفوظ نگاه دارند. امروز دیگر روشن است که این اقدام شاه نیز با تمکیت روبرو شده است. کنفدراسیون علی رغم فرمان استبداد همچنان استوار برجای خود نهمسته و به انجام وظائف خلقی و میهنی خود با پی گیری ادامه میدهد. سازمان امنیت که از آخرین اقدام خود هم نتیجه ای بدست نیآورد اکنون در کار افعال فشار و اختناق که حسرسه اساسی او است نقشه های تازه ای میزند و در دنبال توطئه های جدیدی است. این بار برای آنکه "پلهای ارتباطی بین حکومت و دانشجویان زده شود" کنفدراسیون را از حالت جولانگاه رقابت و مبارزه گروه ها و تشکیلات سیاسی مختلف در بیاید. و آنوقت "آنتوتیک سازمان دانشجویی میتواند خیلی کارها بنفع مملکت انجام دهد" (کیهان ۳۰ دسامبر ۱۹۷۲)

سازمان امنیت، مانند روزیوست ها، کنفدراسیون را از هیئت یک سازمان دانشجویی مستقل، یعنی آنچه که در واقع هستی اندازد و آنرا جولانگاه رقابت و مبارزه تشکیلات سیاسی مینماید. با این توصیف برای سالم کردن محیط کنفدراسیون، محیطی که از رقابت و مبارزه سازمانهای سیاسی برکار باشد باید فعالین کنفدراسیون، که گویا به گروه ها و تشکیلات سیاسی وابسته اند بشکلی از کنفدراسیون و مبارزات دانشجویی دور شوند و پلهای ارتباطی، لابد به هیئت عالی که بدرون کنفدراسیون راه مییابند، میان حکومت و دانشجویان برقرار گردد! آنگاه طبیعتاً کنفدراسیون در اختیار سیاست رژیم درخواهد آمد و "خیلی کارها بنفع مملکت انجام خواهد داد!"

رژیم ایران در واقع این فکر خام را در سر میپروراند که با استفاده از تمام وسائل که در اختیار دارد بر کنفدراسیون دست بیاورد و بدین ترتیب با یک تیر دو نشان بزند: از یکسو کنفدراسیون را از سر راه بردارد و گریبان خود را از دست سازمانی که با استقامت و پی گیری واقعیت و ماهیت رژیم را به جهانیان مینشاناند، برهاند و از سوی دیگر آنرا در خدمت خویش بگمارد و در راه آرایش خود بکار اندازد. البته نیل بچنین هدف تبهکارانه ای به آسانی دست نمیدهد ولی رژیم ایران برای خاموش کردن صدای کنفدراسیون چنانکه تاکنون نشان داده، از هیچ اقدامی روگردان نیست. سازمان امنیت، آنگونه که از ظاهر امر برمیآید، مستقیم سیاست غیر مستقیم از هم اکنون کار خود را آغاز کرده است.

اما رژیم این بار هم کور خوانده است، این بار هر چه بی و اعضا کنفدراسیون و همه دانشجویان میهن دوست با هوشتیا تمام این نقشه سازمان امنیت را زین نقش برآب خواهند کرد. همانطور که نقشه ها و توطئه های دیگر سازمان امنیت را عقیم گذاردند. البته کنفدراسیون در این مبارزه خود کماکان از پشتیبانی بی شائبه همه سازمانهای که به حفظ و تقویت آن علاقه مندند برخوردار خواهد بود. بقیه در صفحه ۲

گرامی باد یاد تیرباران شدگان و همه شهیدان!

نیروی مسلحانه در فیلیپین

در این اواخر مطبوعات جهان سرمایه داری از جنگ توده ای در فیلیپین بسیار سخن میگویند ولی گوشزد دارند که این جنگ را زد و خورد بین مسلمانان و مسیحیان جلوه گس سازند. بویژه مطبوعات ایران در این مورد جنجال بسیار برپا کردند و افسانه‌هایی در باره ایرانیان مسلمان مقیم فیلیپین سر دادند. و همه این تبلیغات برای آنستکه وادارند تا فیلیپین و مفهوم طبقاتی و ملی و ضد امپریالیستی آنها را پنهان نگاه دارند. واقعیت آنستکه توده‌های زحمتکش و استقلال طلب فیلیپین بر علیه حکومت استبدادی و دست نشانده آمریکا - حکومت مارکوس - بیای خواستارند. مقاله زیرین که از روزنامه کلارته (ارگان حزب کمونیست مارکسیست لنینیست بلژیک ترجمه شده است خوانندگان گرامی را با آنچه در فیلیپین میگذرد آشنا خواهد ساخت. روزنامه کلارته در نیمه دوم آوریل نوشته است:

در فیلیپین چه میگذرد؟ اخبار واصله واقعا خیلین خوب و حاکی از آنستکه مبارزه نیروهای توده‌ای بر علیه دیکتاتوری مارکوس به مقیاس وسیعی گسترش یافته است. مخالف رسمی مانیل (پایتخت فیلیپین) اعتراف میکنند که نبرد های پرداخته ای بین نیروهای توده‌ای و نیروهای دولتی نه فقط در روستاها بلکه همچنین در شهرها درگیر شده است. در برخورد های شدید ای که در هفته‌های اخیر پیوسته نیروهای دولتی تلفات زیادی از حیث نفرت و افزارها و جنگی داده اند. پیروزی‌های ارتش نوین خلق بارهبری صحیح حزب کمونیست فیلیپین که با وفاداری به مارکسیسم لنینیسم، پرچم مبارزه مسلحانه خلق فیلیپین را بر علیه دیکتاتوری فاشیستی مارکوس و خدایان گارانش یعنی امپریالیستهای آمریکا سر بلند نگاه داشته است. پیوند نزدیک دارد.

حزب کمونیست فیلیپین بارها تاکید کرده که یگانگی پاسخ به حکومت نظامی که بوسیله مارکوس برپا شده جنگ توده‌ای است.

روش انقلابی حزب کمونیست فیلیپین حاکی از اینکه شکل مناسب مبارزه در مرحله کونی دیکتاتیک و ملی انقلاب فیلیپین همانا مبارزه مسلحانه میباشد روشن تر از همیشه مشخص است.

حزب کمونیست فیلیپین در اسنادی که اخیرا منتشر ساخته در ضمن تحلیل اوضاع فیلیپین تاکید میکند که سه عامل قطعی بسیار مساعد برای تقویت مبارزه در آن کشور وجود دارد نخست اینکه آمادگی حزب کمونیست فیلیپین بر سر رهبری نبرد انقلابی در جهت سرنگونی حکمت فاشیستی از همه بیشتر است.

دوم اینکه حزب دارای ارتش انقلابی بسیار نیرومند و بسیار آرموده ای است بنام ارتش نوین خلق.

سوم اینکه صفوف نهضت انقلابی گسترش بسیار یافته و اراده آنان برای نبرد توده‌ای در سراسر جزایر فیلیپین راسخ تر شده است.

حزب کمونیست فیلیپین صلاحیت رهبری مبارزه انقلابی را بدست آورده زیرا که از حیث ایدئولوژیک ، سیاسی و سازمانی آمادگی یافته است. حزب کمونیست فیلیپین با تکیه بر آموزش مارکسیسم لنینیسم ، قادر است جنگ توده ای طولانی را بسا سر سختی رهبری کند و راه حل مسائل انقلاب فیلیپین را بطری صحیح بیابد. سیاست انقلابی حزب کمونیست فیلیپین توده‌های زحمتکش شهر و روستا را در مبارزه برای سرنگون ساختن رژیم استبدادی تجویز میکند. همچنین نیروی حزب کمونیست فیلیپین در قدرت تشکیلاتی اوست که با تلفیق صحیح کار مخفیسی با کار علنی میتواند در برابر ضربات دیکتاتوری فاشیستی فیلیپین مقاومت کند.

حزب کمونیست فیلیپین در تنظیم برنامه خویش منظور انقلاب دیکتاتیک خلقی و وظائف خود را چنین مقرر داشته است متحد ساختن کلیه نیروهایی که با دیکتاتوری فاشیستی در دست آمریکا مارکوس بخالفت برخیزند و مبارزه انقلابی مسلحانه برای سرنگون ساختن وی باری رسانند ، تقویت ارتش نوین خلق ، سازمان دادن واحد های پارتنری در سراسر جزایر فیلیپین و متحد ساختن کلیه کسانی که مخالف دیکتاتور مارکوس اند ، مبارزه در راه استقرار حقوق دیکتاتیک کلیه نیرو

های ضد فاشیستی ، بر علیه کلیه اقدامات دیکتاتوری فاشیستی که سود امپریالیسم آمریکا و دارو - سته فاشیستی مارکوس است، بخاطر الهیه کلیه میمنها و موافقت نامه‌های نابرابر با آمریکا و بویژه میمنها و موافقت نامه‌هایی مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم و پایگاه‌های نظامی و کله نظامی و تجاوزکاری نظامی و فرعونگی است. حزب کمونیست فیلیپین از کلیه اعضا خود دعوت میکند که فعالیت بمنظور تحقق بخشیدن به وظائف بر نامه سیاسی ، سازمانی و ایدئولوژیک را که از طرف حزب تنظیم شده است گسترش بخشند.

در رهنمود های فوق تاکید شده که بر خلاف خواهی امر که گویا دیکتاتوری دارو سته مارکوس موجودیت نیروها انقلابی را تحت فشار گذاشته وضع بسیار مساعدی برای بسط نیروهای مذکور بوجود آمده است.

حزب برای آنکه نیا ز عظیم کشور را به کارها در کلیه نقاط تاهین کند امر اعزام کارها را از منطقه ای به منطقه دیگر تنظیم کرده است. بر تفری رابطه صحیح بین تعداد کارها در نواحی شهری و روستایی باید بوسیله کمیته‌های منطقه ای عملی شود. کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین بر آنستکه کمیته‌های مذکور باید ابتکار بیشتری در ساختمان حزب و ارتش نوین خلق و جبهه متحد بکار بندند.

حزب کمونیست فیلیپین میطلبد که به کار ریمان توده‌ها اهمیت بیشتر داده شود و تا کید میکند که گامیابی حزب وابسته به کمیت و کیفیت واحد های حزب ، واحد های فعال ارتش نوین خلق ، ارگانهای قدرت سیاسی ، کمیته‌های سازماندهی خلق ، سازمانهای توده‌ای کارگران ، دهقانان ، جوانان ، زنان و زحمتکشان فرهنگی.

نظر به تئوری که از طرف دیکتاتوری دارو سته مارکوس اعمال میشود حزب کمونیست فیلیپین به بهبود شیوه‌های کار محلی و بویژه در شهرها و همچنین به ایجاد پیوند با تعدا هر چه بیشتری از مناطق توجه خاصی مبذول میابد.

حزب کمونیست فیلیپین و ارتش نوین خلق که بوسیله وی رهبری میشود اعلام داشته اند که دیکتاتوری آمریکا پرست مارکوس شرایط لازم برای مبارزه مسلحانه در مناطق روستایی را فراهم آورده است. مبارزه مسلحانه چندین منطقه محدود کشور آغاز شده است و اینک در سراسر جزایر فیلیپین مناطقی نبرد وجود دارد. موقع آن رسیده است که به عملیات محدود در نواحی شهری دست زده شود.

نهضت انقلابی بر علیه امپریالیسم آمریکا و فئودالیسم و سرمایه داری بزرگاتی بصورت نیروی عظیمی درآمده که قادر است انقلاب فیلیپین را تا باخر برساند.

نمونه‌ای از گزارش‌های رسمی

"طبق گزارش اداره تربیت بدنی گرما ، جشن افتتاح استخر شنا برگزار گردید. ولی هنگامی که من بگوشه‌ها رفتم دیدم کودکانی که دارند. پرسیدم شما گزارش به مرکز داده‌اید که جشن افتتاح استخر را برگزار کرده‌اید. گفتند ما در گزارش اشتباه کرده‌ایم."

از یاد آکرات مجلس رضا امروزی (اسفند ۱۳۵۱)

کنفدراسیون... بقیه از صفحه ۱

سازمان ما که هیچگاه پشتیبانی از این یگانه سازمان دانشجویان ایرانی و تقویت آن باز نایستاده است ، از این پس نیز با استحکام تمام مشی خود را در پشتیبانی از کنفدراسیون دنبال خواهد کرد ، اما نظر به اهمیت وظایفی که کنفدراسیون در مبارزات خلق های میهن ما ایفا میکند و این اهمیت برکسی پوشیده نیست ، نظر به اینکه ضد ای کفدراسیون در حال حاضر یگانه صدای رمای خلق ایران است که علنا در سراسر جهان طنین می افکند سازمان ما بر آنست که همه سازمانهای سیاسی هوادار کنفدراسیون باید متفقا به صیانت کنفدراسیون همت گمارند ، همکاری فکری و عملی همه این سازمانها کنفدراسیون را در مبارزه اش بخاطر مقابله با توطئه سازمان امنیت ، از پشتیبانی نیرومندتری برخوردار خواهد ساخت ، سازمان ما آمادگی خود را برای هرگونه همکاری فکری و عملی اعلام میدارد و امیدوار است که این ندای وی و این آمادگی وی که فقط از اعتقاد عمیق به نقش کنفدراسیون نشاء میگیرد ، در سازمانهای سیاسی هوادار کنفدراسیون انعکاس مساعد و مطلوبی بخشد.

بیاد خردان... بقیه از صفحه ۱

در این هنگام رژیم محمد رضاشاه موزرانه مدعی گشت که جنبش ۱۵ خرداد بخاطر حمایت از مالکان بزرگ که گویا از "اصلاحات ارضی" آبناراضی بودند ، بخاطر مخالفت با "آزادی زنان" و غیره صورت گرفته است. دستگاههای تبلیغاتی امپریالیستهای غرب و سوسیالیست امپریالیسم شوروی نیز به کمک این مانور تبلیغاتی شاه آمدند. روزنامه ارگان دولت شوروی (ایزوستیا) این "اشوب و یلسوا" را "تحریک عده‌ای از روحانیون مرتجع مسلمان" قلمداد کرد. مجله شوروی "عصرجدید" آن میهن پرستان دلبری را که در پیش خردان شرکت داشتند "اشخاصی که از تعصب کور شده اند" نامید که گویا حامیان مالکان ارضی هستند و بویژه با آزادی زنان مخالفت دارند. سوسیالیستهای شوروی حتی روی خود نیست های حزب توده ایران را بر آن داشتند که از پشتیبانی از این جنبش عظیم توده‌های خود داری ورنند و این "حادثه" را ناشی از "جهل مردم" بنمایاند. ولی مردم ایران بخوبی می دانستند که علیه چه کسانی مبارزه میکنند. البته این جنبش رنگ مذهبی داشت. ولی از تمام طبقات و اقشار اجتماعی ایران در آن شرکت جسته بودند. زیرا هدف این جنبش رژیم خون خوار محمد رضاشاه و حامیان امپریالیست بود. آن توده های وسیعی که در جنبش خردان شرکت داشتند ، در حقیقت اصلاحتا عمیق اجتماعی میخواستند "اصلاحاتی" که فقط نام اصلاحات است و فقط برای فریب خلق و ادامه سلطه خائنین عرضه میگرد. متأسفانه جنبش خردان ۴۴ به شکست انجامید ، زیرا رهبری نداشت ، مرکز ثقل آن در شهرهای بزرگی بود که قوی ترین پایگاههای دشمن است ، نیروهای عظیم دهقانان و کثرت در این جنبش برکارمانده بودند ، حزب طبقه کارگر نیرومندی وجود نداشت که جنبش را با آنکه به کلیه طبقات دیکتاتیک رهبری کند و بسوی پیروزی سوق دهد ولی با وجود این نقائص جنبش خردان اثر مثبت خویش را بر تاریخ انقلاب ایران برجای گذاشت.

گرامی باد خاطره شهیدان خردان ۴۴ !
برافراشته باد پرچم مبارزه قهرآمیز علیه ارتجاع داخلی و حامیان امپریالیستش !

سوسیالیسم امپریالیسم و کامبوج

نورودن سپهناوک رئیس دولت متحد ملی کامبوج در مصاحبه با خبرنگار روزنامه لوموند در یکی از جمله چنین گفت (لوموند ۲۴-۲۳ آوریل):

"در واقع آمریکا که با کشور کوچکی مانند کامبوج روی افتد منظور آنست که یک نظام نو استعماری برپا نگردد. این امر تا حدی به دگر بنی برزف و قضیه چکوسلوواکی شبیه است. نیکتو تحمل نمیکند که کشوری را استقلال خود باید اری ورزند و یگانگی فیرازگرایش او داشته باشد. روسها نیز همچنان مارانند به تکیه و همچنان بخش گدائی تعطیلات آخر هفته در توپین مشغولند. آیا این روش آنها را چگونه باید توجیه کرد؟ اولین توجیهش خصیصت راسخ آنها نسبت به چین است. توجیه دیگرش آن است که روسها موافقت هائی با آمریکا کرده اند و مصم اند که با آمریکا همکاری داشته باشند. البته حالا که اوضاع بریزان لن نول میخیزد روسها متأسل و نگران اند (۰۰۰). اگر از من بپرسند که ما با کدام یک از آنها ، باروس ها یا با امریکائی ها ، آسانتر میتوانیم کارریا کنیم ، خواهی گفت با امریکائیها و روسها هرگز بطرف ما نخواهند آمد. ولی میباید تصور کردید که در نظر من نیکسون به رها کردن لنون نول در خواهد داد.

کیسینجر به چنین لای گفته است: "ما نمیتوانیم بسا سپهناوک وارد مد اگر شویم اما باو بدیده تحسین میگیریم. این آن نظریه‌ای است که مورد قبول روسها نیست: آنها نسبت به ما هم احساس تحقیر دارند و هم احساس نفرت. آنها با ما پیوسته دشمن تر میشوند. چرا؟ نمیتوان این را زراد است. آن ها هرگز از کامبویی های نظامی ما سخن نمیگویند. بطریق متناهی قطعنامه‌های سن الملی را که حاکی از مطالبه برسمت شناختن حکومت ماست منتشر نمیگردانند. و بعد از روسها در صحنه خصوصی خودشان مثل امریکائیها بخاطر میگردند و یا حالی میکنند که کسانی که در کشور ما میروند و پنهانی هستند نگاه میجوئ."

درباره عمان ... بقیه از صفحه ۴
 عمان را در دست
 دارد به منظور قریب نوبت‌های مردم و نفاق افکنی در نهضت
 ظفار در ژوئیه ۱۹۷۰ سلطان سعید بن تیمور را بوسیله کودتای
 ساختگی از سلطنت برکنار ساخته سلطان ناپوسرا بر جای او
 نشاند و جنجال تبلیغاتی براه انداخت که سلطان چند بند
 سلطان "تجدد و اصلاحات" است. اما خلق عمان و ظفار به
 نام امیرالایسم انگلستان گرفتار نیامدند و جویان انشعابگرانه
 ای را که در ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۰ بدست‌عمل انگلستان در
 شرق ظفار بوجود آمد در هم شکسته به مبارزه بسز
 علیه سیاست‌های استعماری امیرالایسم انگلستان
 ادامه بخشیدند.

سیاست امیرالایسم در عمان و ظفار از سیاست عمومی
 روی منطقه خلیج چندانیست. این منطقه را لحاظ نفت و ظهور کلی
 از لحاظ اقتصادی و نظامی برای امیرالایسم جنبه حیاتی دارد
 و امیرالایسم در عین حال که پایگاه‌های نظامی (دریایی و
 هوایی) خود را در این منطقه حفظ و تحکیم کرده در صدد
 است که ارتجاع محلی را در برابر نیروهای روز افزون ملی‌وطنی
 امیرالایستی متحد گرداند و تقویت کند. سازمان دادن آمارا
 ارتجاعی عربی و تشکیل اتحادیه آنها، تسلیح و تقویت عربستان
 سعودی و ایران و واگذاری نقش‌راند ارم منطقه به محمد رضا
 شاه در اشغال جزایر سه گانه تنب و ابوموسی و جزیره‌های غنم
 بوسیله ایران همگی بر اساس این سیاست انجام گرفته و میگردد.
 حکومت ایران از چند سال پیش به نقش نهضت نجات
 بخش ظفار و تا آن‌روز در کشورهای خاورمیانه و از جمله ایران
 توجه کرد و هرگز از توطئه بر علیه وی غافل نشست. مذاکرات
 متعدد ایران با عربستان سعودی و بین شمالی
 همیشه شامل طرح نقشه‌های خد ارانسه برای ضربه زدن بسز
 نهضت نجات بخش ظفار بوده است. اینک دولت ایران با اشاره
 امیرالایست‌ها صریحا وارد میدان شده و ارتش و اسلحه بسز
 عمان فرستاده است. خبرنگار روزنامه النهار که با سلطان
 قابوس صاحب کرده تعداد هلیکوپترهای اسرائیلی ایران را ۲۵
 و تعداد افسران اعزامی را ۳۳ نفر نوشته است. خبرنگاری‌ها
 تعداد سربازان ایرانی را تا قریب سه هزار تن تخمین زده‌اند
 خارج آنها را دولت ایران می‌راند فرماندهی کل آنها سیا
 افسران انگلیسی است و هدف آنها مناطق آزاد شده ظفار
 و ارتش نجات بخش ظفار است.

سیاست
 "جنبه" رعانی بخش خلیج عربی اشغال شده" یمن
 این دسائس امیرالایستی و منجمله اعزام تشون ایران به عمان در
 طی اظهاریه مارس ۱۹۷۳ چنین میگوید: "در این شرایط لازم
 میدانیم به اطلاع دوستان و برادران عرب خود برسانیم که جنگ
 توده‌های ما جنگ عادلانه ای است و هدف آن عبارت از نیل به
 آمال مردم و آسایش ملی و دموکراتیک و در رأس آنها مطالبات
 زیرین:

- ۱- بیرون راندن نظامیان انگلیسی، اردنی و ایرانی
 و امریکایی از یمن ما
- ۲- برانداختن پایگاه‌های نظامی که خلق و امنیت او
 را و همچنین صلح بین المللی را مورد تهدید قرار داده‌است
 از آنجمله پایگاه صیبره، جفیر و صلاله و غیره.
- ۳- سالفا گلیه پیمانهای ظالمانه و رعیت‌بار قدیم و
 جدید سیاسی و نظامی که سران عشائر با استعمار انگلستان
 با حکومت توسعه طلب شاه (ایران) و با حکومت خائن عمان
 منعقد ساخته‌اند.

۴- آزاد ساختن صد ها تن زندانی سیاسی یمنین
 که گرفتار انواع شکنجه‌های وحشیانه‌اند و محاکمه تبهکاران خا
 خونخواری که خون دهها نفر از نژادمان خلق را در این
 زندانها ریخته‌اند.

۵- برقراری حکومت ملی و دموکراتیک ناشی از خلق و
 برانداختن نظامات قبیله‌ای پوسیده کنونی.

۶- با خاطر وصول به این آسالم ملی که با تصرف و
 شخصیت خلق ما و با حال و آینده او و با حال و
 آینده بخش اساسی خلق و میهن عربی ما ارتباط
 دارد و خلق ما اسلحه بزمین نخواهد گذاشت و
 انقلاب از منشی جنگ نجات بخش توده‌ای انحصار ف
 نخواهد جست و در مورد اصول سیاسی خود بسز
 سوداگری دست نخواهد زد.

روزی نیست‌ها ... بقیه از صفحه ۴
 حکومت محمد رضا شاه
 و حکومت ملک فیصل متحد با حضور نیروهای انگلیس در خلیج
 فارس مخالفت و تائید حل مسئله بحرین به این وحدت کلنگرند
 است، و بنا بر این باید حل مسئله بحرین را مقدمه و نتیجه
 متحدات ضد امیرالایستی دانست!

باین عبارت عبرت انگیز ارگان روزیونیت‌ها توجه کنید
 که نوشته بود: "سیر حوادث و زمام‌آوران ایران را اکنون
 دیگر دست کم در مورد استعمار انگلیس در تنگای خلیج به
 تصدیق حقانیت شعار ضد استعماری و ضد امیرالایستی میهن
 پرستان ایران و به هم آوایی با آنان واداشته است." (۱۳۵۰)

یعنی روزیونیت‌ها صریحا به مردم ایران گفتند که
 محمد رضا شاه و همکارانش در هیئت حاکمه دست کم به مبارزه
 ضد استعماری و ضد امیرالایستی بر علیه انگلستان در خلیج
 فارس برخاسته‌اند. قید دست کم از آن جهت بکار برده شده
 است تا خواننده بداند که جنبه ضد استعماری و ضد امیرالایستی
 رژیم کودتا بیش از این حد است و نویسنده فقط برای آنکه
 هیچ جای بحث نماند بذکر این حد اکتفا کرده است!
 وقتی که محمد رضا شاه در اجرای نقشه امیرالایستی‌ها
 با اشغال جزایر سه گانه تنب و ابوموسی دست‌نزد روزیونیت‌ها
 نیست‌ها نخوابستند این نقشه افشا شود و بجای آنکه جنبه
 سیاسی فعلی حادثه را در مورد قرار نهند سابقه تاریخی
 را به پیش کشند. ارگان آنها نوشتند: "بین حاکمیت ایران بر
 این جزایر بنظر ما طبیعی و ناشی از واقعیت است!"
 ایراد روزیونیت‌ها فقط آن بود که چرا حاکم شارجه جرئت
 کرده و میگوید "حاکمیت شارجه بر ابوموسی و نیز یس آن در
 این محل کماکان باقی است" و چرا "ارتش ایران تنها در
 منطقه‌ای که طبق قرارداد معین شده مستقر گردیده (حاکم
 شارجه) در قبال آن سالیانه یک ملیون و نیم لیره از ایران در-
 یافت خواهد داشت!"

باین طریق روزیونیت‌های حزب توده ایران بر توطئه
 امیرالایسم و محمد رضا شاه صحنه میگذاشتند و حتی محمد رضا
 شاه را تشویق میکردند که اشغال ابوموسی را ناتمام نگذارد.
 آنکه "برای خالی نبودن عریضه" برای آنکه آرایش به سیاست
 زشت خویش داده باشند به توصیه‌های بیخ و خیالی از قبیل
 اینکه محمد رضا شاه نباید حقوق ویژه‌ای در این جزایر برای
 امیرالایسم انگلستان قائل شود... و غیره میپرداختند.

اکنون همین محفل روانه‌اشی که روزیونیت‌ها امروز
 دست کم، آراسته به خصوصیت ضد استعماری و ضد امیرالای-
 لیستی بر علیه انگلستان و طرفدار تخلیه خلیج فارس از نیروها
 نظامی انگلستان جلوه میدهند افسران و سربازان ایرانی را
 به عمان فرستاده است تا تحت فرماندهی افسران انگلیسی به
 به سرکوب نهضت نجات بخش ظفار بپردازند! و اکنون هفتاد
 روزیونیت‌ها تکیه بر مقدمات این مدخله گری جنایتکارانه سه
 صده گداشته بودند صدای منافقانه خود را بر علیه اعزام تشون
 به عمان با فریاد خلق ایران در هم آمیخته‌اند و توقع دارند
 که هیچکس این "بدرقه‌های خطرناکتر از دربان" را نشناسد!
 روزیونیت‌ها برآشفته دشنام میدهند که منشیماختن
 آنها به سازش با رژیم کودتا "انتهام روزانه" ای است. ولی
 غفلت دشنام نمی‌تواند از قدرت انتساب بکاهد. بر
 ادعای ما منشی بر عمل روزیونیت‌ها، بر
 تبلیغات فراوان آنها و از جمله بر نوشته‌های فوق است.
 آیا محمد رضا شاه را به لباس مبارز ضد استعماری و ضد
 امیرالایستی در آوردن، بر توطئه امیرالایستی‌ها در اشغال
 جزایر سه گانه تنب و ابوموسی صحنه نهادن، رژیم کودتا را
 حامل "تائید حاکمیت ایران" جلوه دادن، سازش با رژیم
 کودتا نیست؟ فقط کماتی که هرگونه صداقت و نقد بمحقیقت
 را از خود دور کرده‌اند میتوانند این افشاگری را "انتهام
 روزانه" بنامند.

واقعیت اینست که نوسانات و زوایم‌های روزیونیت‌ها
 حزب توده ایران در ارتباط با فراز نشیب سیاست روزیونیت‌ها
 شوروی در ایران است. روزیونیت‌های حزب توده ایران
 به شاه و این دشمن همیشگی و در همه حال خلق ما، فقط
 آن وقت و آنقدر شلاق میزنند که برای رام کردن و رکاب دادن
 او به سوسیال امیرالایسم شوروی لازم است.

نبرد در ... بقیه از صفحه ۴
 وارد دانشگاه شدند و به
 زد و خورد پرداختند. دانشجویان هم دست بسته نشستند و
 از آجرهایی که برای ساختن طبقه آخر بر بالای بام عسارت
 دانشگاه را طرورد کرده بودند در دفاع از خود استفاده کردند.
 زد و خورد تا عصر روز سه شنبه ادامه یافت. در همین روز در
 ماشین سواری پلیس آتش زده شد و دو محل کشیک پلیس دانشگاه
 مورد حمله قرار گرفت و تخریب شد. فردای آن روز هنگام ظهر
 دوباره در اثر تظاهرات دانشجویان زد و خورد پلیس از نو براه
 افتاد. این برتبه پلیس وحشیانه تر حمله کرد. در حوالی
 ساعت ۳ بعد از ظهر گویاندهای ارتش وارد دانشگاه شدند
 و دانشجویان را به عقب نشینی به کوی دانشگاه وادار کردند.
 دانشجویان از شجره‌ها شمارید آمدند. پلیس و گویاندها
 درهای کوی را شکسته وارد کوی شدند. دانشجویان را بیرون
 کشیده به قصد کشت زدن. آمبولانس‌ها دانشجویان زخمی را
 بنام بیمارستان به سازمان امنیت منتقل میکردند. جمله تسبی
 ساعت ۷ ادامه یافت. ساعت ۷ پلیس به کوی‌های دانشجویان
 در داخل شهر (خیابان شهنشاه - خیابان شهنشاه شمالی،
 خیابان منصور) هجوم برد. پس از این هجوم تعداد دانش-
 جوان زخمی آنقدر زیاد بود که پلکان‌های کوی‌ها فرق در خون
 بود. دانشجویان این کوی‌ها شب را در خیابان بسربردند.
 تعداد دانشکده‌ها معلوم نیست ولی مسلما بیش از آنست که بغض
 از خبرگزاری‌ها خبر داده‌اند. تعداد زیادی از نیز به سرگز
 بردند. چند روز پس از این جریان، از طرف سازمان امنیت
 کتابخانه بزرگ تبریز را در خیابان دانشسرا آتش زدند. تا
 باین بهانه بتوانند عددی دیگری را دستگیر سازند.
 دانشجویان تلفات بسیار داده‌اند ولی روحیه سرکش
 آنها در مبارزه با رژیم پهلوی کندی تا نبروزنده نرازمی‌شماست.

تحول حوادث ... بقیه از صفحه ۴
 آنگاه میتوانیم دید
 روشن تری از که مشاجرات و مناظرات، تردیدها و بجایجا
 شدن‌های احزاب و محافل حاکم ترکیه داشته باشیم.
 جامعه ترکیه محتاج تحولات بنیادی است که جز از طریق
 انقلاب دموکراتیک نوین تحقق پذیر نخواهد بود. اینهمه مناسبت
 و اینهمه کشتار و کت‌های کودتا توانسته و نخواهد توانست تفاوت
 دلبران خلق ترکیه و در رأس آن کارگران و دهقانان را در هم بکشد و
 نتوانسته و نخواهد توانست آرمان‌های پیشرفت و آزادی و استقلال
 را خاموش گرداند. خلق ترکیه در کوریه مبارزه آموخته و آموزد
 که تکیه بر تائید دولت‌های مستقر و دل بستن بر اساس مستبد
 آمیز نیل به قدرت - آنطور که حزب امیرالایستی "کارگر ترکیه"
 و روزیونیت‌ها تبلیغ میکردند - میکنند - نتیجه دیگری جز خود
 فریبی و تن دادن به ضربات غافلگیرانه دشمن و تحمل تلفات
 سنگین و جبران ناپذیر نخواهد داشت. سرنگین ساختن دشمن
 مجهز و مسلح و متکی به قدرت دولتی و امیرالایسم و کار بسته
 های کوچک و منفرد - هر قدر هم که فداکار و جانبازان باشند نیست
 کار خلق مسلح است که تحت رهبری حزب طبقه کارگر سازمان
 یابد. این تجارب گرانمایه‌های خلق ترکیه مسلما بزودی ثمرات
 خود را ببار خواهد آورد. در طی همین دو سال پس از کودتا تا جز
 کارگر و دهقان انقلابی ترکیه در پیکار بغاظر تحکیم آید تلو
 و سازمانی خود و در رهبری مبارزات توده‌ای بیش از پیش آرموده
 و آبدیده شد و تجارب جدید در تلفیق کار خلقی وطنی و تجویز
 و تسلیح توده‌ها حاصل کرد. نمیتوان تردید داشت که نهضت
 ملی و ضد امیرالایستی خلق ترکیه نوید بخش آینده در رخشان
 پیروزی‌هاست. مایه خلق برادر ترکیه درود میفرستیم و بر ای
 کارگر و دهقان انقلابی ترکیه در رهبری نبرد‌های آینده خلق
 موفقیت روز افزون آرزو می‌کنیم.

بهای هر شماره توفان معادل ۲۰۰ ریال. آبونمان سالیانه معادل
 ۲۰۰۰ ریال. فهرست نشریات توفان را از دفتر توفان بخواهید.
 عنوان مکتوبات
 X GIOVANNA GRONDA
 24030 VILLA D'ADDA/ITALY
 حساب بانکی
 X GIOVANNA GRONDA
 CONTO 17549/11
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
 MILANO/ITALY

پیروز باد جنگ توده‌ای خلق فلسطین

تحول حوادث در ترکیه

کردتای نظامی (مارس ۱۹۲۳) در ترکیه که با الهام امریایا...
لیسم امریکاصورت گرفت دو هدف داشت: یکی اینکه نهضت رشد -
یابند و ملی و ضد امریالیستی را در ترکیه در هم بشکنند و محمل های
قانونی برای این امر فراهم آورد. و دیگری اینکه بمنظور قریب صدم
تفرقه در نیروهای میهن پرست ترکیه به "اصلاحاتی" منجمله
"رفرم ارضی" دست بزنند.

از سال ۱۹۲۱ که دولت مدرس در اثر جنبش پرخشتم و
کین خلق سرتگون شد مبارزات طبقاتی در ترکیه گسترش یفت -
سایته یافت. اعتصابات و تظاهرات کارگری، شورش های دهقان
و تصاحب اراضی مالکان بزرگ ارضی، درگیری های مسلحانه با
قوای ارتش و زائد امری و پلیس، نمایش های عظیم بر علیه
امریالیسم امریکا و پایگاه های وی در ترکیه، به درجه ای رسید
که حکومت طبقات ستونگر ترکیه و سیادت امریالیسم را در آن کشور
در معرض خراب جدی قرار داد. دیگر وعده و وعید احزاب سنتی
(جمهوری خواه خلق و عدالت و سیاست انرژونیستی و سازش
کارانه) باضطلاح "حزب کارگر ترکیه" که در دوران اوج نهضت
بوجود آمده بود نمیتوانست توده های زحمتکش ترکیه را در چار
چوب رژیم نیمه فئودالی و نیمه استعماری نگه دارد. علل کودتای
نظامی مارس ۱۹۲۱ را باید در این واقعیت جستجو کرد.

توجیه ریزش رژیم و حزب
توده ایران که کودتای نظامی مارس ۱۹۲۱ را "نشی از یک
سلسله حوادث ماجراجویانه میدانند... که از طرف چپروها
ایجاد شد" (ماهانامه مردم شماره ۷۲) چیز دیگری جز خوار
شردن نهضت عظیم خلق ترکیه و تفرقه ارتجاع و امریالیسم
نیست. ریزش رژیم و حزب توده ایران حد فراتر رفته حتی مدعی اند که
در کودتای نظامی مارس در ترکیه "بخشی از ارتش کوشید تا مستبد
یابی مترقیانه ای را مستقر سازد" (همانجا). ریزش رژیم و حزب
باین طریق نقشه های نواستعماری امریالیسم امریکاراد ترکیه
که میبایست بدست ارتش عملی شود "سست باین مترقیانه" می -
خوانند! اما این کدام سست باین مترقیانه است که باید بوسیله
سرنیزه بخلق ارائه شود؟

دولت عمائی که پس از کودتای نظامی سرکار آمدند بیورش
بر نهضت توده ای، درهم شکنش سازمان ها و مطبوعات
دموکراتیک، تصرف در قانون اساسی ترکیه در جهت ارتجاع،
تصویب قوانین تازه ضد ملی و ضد دموکراتیک، خاموش کردن
هرگونه صدای مخالف را و وظیفه "مقدم خود دانستند. در این
مدت زندان های ترکیه از بهترین فرزندان خلق پرستند منجمده
های قرون وسطایی بصورت شیوه های معوم درآمد. جوشه -
های اعدام بکار افتادند و باید گفت - نخستین وظیفه کودتای
انجام یافت. اختلافاتی که در این امر بین احزاب حاکم ترکیه
بظهور رسید جنبه فرعی دارد، اصل آنست که همه آنها در
ماعت امرولتوس مرکب توده ها با نظامیان در صفا و حدی قرار آید
در انتخابات ریاست جمهوری ترکیه که اخیرا صورت گرفت
نظامیان صلاح ندیدند برای تحمل نامزد خویش پیش از آنکه
یافتاری کنند زیرا که کلیه منظورهای آنان از لحاظ سیاسی بر -
آورده شده است: قانون اساسی در جهت ارتجاعی تغییر یافته
دولت سبطیره خونین خود را برقرار ساخته، مطبوعات، اتحادیه
های کارگری و دانشگاه ها مهارند و دولت حکومت نظامی بطور
مستمر برپاست، دادگاه های نظامی بطور خستکی ناپذیر به -
عدور فرمان های حبس و اعدام مشغول اند. در چنین شرایطی
نظامیان کودتای بهترند انستند که صورت ظاهر انگیزد ارتد و حکومت
سرنیزه را بدست نامزد های دیگر آورده کنند. از این حیث خاطر
آنها نگران نیست.

اما هدف دیگر کودتای نظامی که اجرای نقشه نواستعماری
"اصلاحات" است هنوز نتوانسته راه خود را در بین طبقات حاکم
ترکیه باز کند. اگر در نظر بگیریم که در ایران در موقع طرح نقشه ای
نظیر نقشه مذکور نوسانات بسیار در طبقات حاکم و دربار بطور
رسید و اجرائی "اصلاحات" فقط پس از کشمکش نسبتا طولانی و
مد اخلاقیات امریالیست ها بر حمله عمل درآمد. بقیه در صفحه ۳

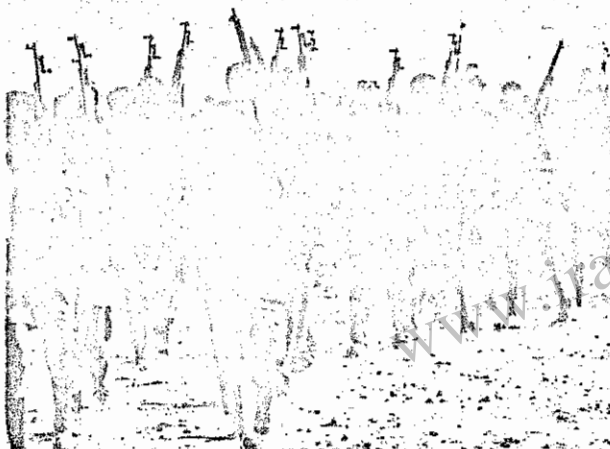
رویزیونیست ها و سازش با رژیم

ایران بوقوع خود از آنها جانب داری کرده اند. مسئله
اتحادیه با امارات عربی که "استقلال" بحرین یکی از عناصر آن
بود، اشغال جزایر سه گانه تنب و ابو موسی، و اینکه اعزام
ارتش به عمان و طغاره اجزا" مختلف نقشه واحدی هستند کسه
هدفش متحد ساختن ارتجاع در خلیج فارس و واگذاری نقش
زائد ارضی به ایران یا عربستان سعودی، سرکوب نهضت های
محلی بدست ارتجاع محلی و تأمین سیادت نواستعمار است
آیا رویزیونیستها فراموش کرده اند که در عربیک از موارد مشخص
فوق چه موضعی در پیش گرفته بودند؟

ارگان رویزیونیست های حزب توده ایران در مردانه ۱۳۰۱
چنین نوشت: "حکومت محافظه کار (انگلیستان) با وضع نویسی
در خلیج فارس مواجه شده است. این وضع جدید از آنجا
ناشی است که حکومت ایران و عربستان سعودی و کویت... با
حضور نیروهای انگلیس در خلیج مخالفتند. شاه ایران ونخست
وزیر مکر این مطلب را تصریح کرده اند... این وحدت نظیر
بین ایران و عربستان سعودی و کویت نتیجه یک سلسله اقدامات
است که در یک سال اخیر برای رفع اختلافات بین این سه کشور
در مورد بحرین و بعضی از جزایر خلیج و در باره نفت فلات
قاره بعمل آمده و قرائن نشان میدهند که این اختلافات در
قسمت بزرگی رفع شده است."
رویزیونیستها با این تحلیل عجیب خواستند مردم ایران
را بفریبند و چنین نشان دهند که اولاً بقیه در صفحه ۳

رویزیونیست های حزب توده ایران لازم میدانند که
مخبر وقت به آنها نسبت سازش با هیئت فرمانروای ایران ب این
شود بفرخشان بر خیزند و سؤگند های گران در یاد افنی خود
یاد کنند. و این تبرئه جوشی را عموما در دوران هائی اینجا
میدهند که تضاد میان امریالیسم امریکا و سوسیالیسم امریالیسم
شوروی در ایران بشدت گراییده است و جانب گیری محمد رضا
شاه از امریالیسم امریکا وظیفه ناخت و تا ز به محمد رضا شاه
را در برابر رویزیونیست های حزب توده ایران میگردد. در
این دوران است که بار در گلزاریک ایران مایهت و کسانتی را
که افشارک و دورویی ها و شعیده بازی ها و تسلیم طایبی های
اوپند بیاد ناسزا میگردد. الان ما در چنین دورانی هستیم
و روزنامه مردم با استفاده از فرصت "بده جمله برد از آن ماورا"
چپ ما فوکویست" و "اتهام رزیلانده" آنها مبنی بر سازش رویزیونی -
نیستها با رژیم کودتا ناخفته است. (شماره ۹۴). اما اگر
چه "دیوار حاشا بلند است" هرگز بلند تر از واقعیت نیستند
ما بارها مظاهر این سازش را در صفحات توفان نشان
دادیم و اینها بمناسبت موضوع هم رویزیونیست های اعزام مسلح
ایران به عمان و طغاره مظهر دیگری را ارائه میدهم:
رویزیونیستها امروز با مردم ایران همصدا شده اقدام
توسعه طلبانه و جنایتکارانه رژیم شاه را محکوم میکنند ولی از
یاد میسرند که این اقدام بطور ناگهانی و تصادفی صورت
نگرفته و مبتنی بر مصلحت مانی است که رویزیونیست های حزب توده

در باره عمان و نهضت ظفار



رژیمان که ساخته و پرداخته
امریالیسم انگلیستان است یکی از
ارتجاعی ترین رژیم های جهان و
یاسد ار نظامات فئودالی و پیش از
فئودالی و استعماری نواستعماری
است. در ۱۹۲۴ که پیشگامان
خلق ظفار (در غرب عمان) بمنظور
مبارزه با سلطان سعید بن تیمسور
"جبهه" رهایی بخش ظفار را
تشکیل دادند هنوز برده داری در
آن منطقه رایج بود، مردم ظفار
جز اشتغال به گله داری و صید
ماهی از مشاغل دیگر محروم بودند،
حتی یک پزشک نداشتند، از سواد
بی بهره بودند، حکومت سلطان
سعید که از ترقی و پیشرفت میبهره

قدغن کرده بود که خانه جدید نسازند و لباس ریشی نپوشند، از هر
چیز نو زردی بپرهیزند، و راد بیوند داشته باشند و نشوند، سفر
نروند، حتی برای انتقال از شهری به شهر دیگر از پلیس
اجازه بگیرند... و غیره در چنین شرایطی "جبهه" رهایی
بخش ظفار تشکیل شد. در سال ۱۹۲۵ حکومت سلطان -

نبرد در دانشگاه تبریز

مناصفاندر شماره ۶ که شته توفان امکان نیافتیم گزارش را که
در باره مبارزات اسفند ماه دانشگاه تبریز رسیده بود درج کنیم.
اما نظریا اهمیت مبارزات مذکور، عین گزارش را - اگرچه با تاخیر -
اینک از نظر خوانندگان گرامی میگردانیم:
چند روز پیش از حمله پلیس و گوماند ها، دانشجویان دانشگاه
فنی جهت مطالبه استعفا رئیس دانشگاه تبریز که مجری اوامر
سازمان امنیت است اقتصاب کرده و اعزام داشته بودند که تازی
عوض نشود یا تصاحب ادامه خواهند داد. مسئولان دانشگاه
دانشگاه فنی را تسلیم و اذن کردند که دانشجویان ایمن
دانشگاه مدت یک سال از تحصیل محروم خواهند بود. روز
سه شنبه اول اسفند دانشجویان سایر دانشگاه ها با بعلافت
همبستگی با دانشکده فنی اقتصاب کردند و دست تظا هسر
زدند. در میان شمارهای عموم دانشجویان در این روز شعار
های زیرین بجهت صدور: "زندانیان سیاسی را آزاد کنید"
"مرگ بر مزدوران"، "زنده باد دانشجویان ایرانی خارج از
کشور!"
پلیس برای جلوگیری از تظاهرات بقیه در صفحه ۳

واحدی از ارتش توده های پرافتخار ظفار مرکب از دهقانان، ماهیگیران، کارگران و سایر راجتمشکسان
سعید عده ای از حوزه های جبهه را کشف کردند از بهترین
مبارزان آنها را دستگیر کرد و در همین موقع کشتی های گشتی
ایران در خلیج فارس باقی را که حامل اسلحه برای ظفار بود
توقیف کرده بنا بر وظیفه توکری خویش تاقی و سلاح ها و سرتشیمان
آنها در مسقطه قوای انگلیسی تحویل دادند. از این زمان
مبارزان ظفار به گروه ها پناه برده نخستین گروه خود را در روزهای
۱۹۲۵ در وادی الکبیر سازمان بخشیدند.
"جبهه" رهایی بخش ظفار "در طی مبارزه هم از لحاظ
کسب و هم از لحاظ کیفیت رشد یافت و در کنگره دوم در اوت
۱۹۲۸ پس از مباحثات پر شور توانست به مضمون والا تری نائل
آید. کنگره مذکور نهضت ظفار را از محدودیت بیرون آورد و
اعلام داشت که هدف مبارزان این نهضت رهایی کلیه مناطق
استعمار زده، تالیج است و بدین مناسبت نام خود را به "جبهه"
رهایی بخش خلیج عربی اشغال شده" بدل کرد و وضاحت تریج
کرد که اساس فعالیت جبهه بر سوسیالیسم عملی قرار دارد.
از این پس "جبهه" رهایی بخش خلیج عربی اشغال
شده "به پیروزی های مهم نائل آمده و شکست های نمایانی بر ارتش
مزدور عمان که تحت فرماندهی افسران انگلیسی است وارد
آورد و نواحی وسیعی را در مغرب عمان آزاد ساخته به آژانس
ساختن بردگان، برانداختن رژیم استبدادی و فئودالی، به
افتتاح مدارس، به رشد و ترقی اقتصاد و بهبود بخشیدن به
زندگی توده های مردم دست زد. امروز نهضت آزادی بخش ظفار و
مناطق آزاد شده آن الهام بخش همه خلق های خاورمیانه است.
امریالیسم انگلیستان که زمام حکومت بقیه در صفحه ۳